

چکیده:

آموزش فنی و حرفه ای میتواند فرآوری و کارآیی افراد را بهبود بخشد و سرمایه انسانی را افزایش می دهد. امروزه آموزشهای فنی و حرفه ای بعنوان یکی از آموزشهای مهم در تربیت نیروهای کار در اقتصاد جهانی نقش اساسی را ایفاء می نماید. بررسی سند ملی آموزش بخش کشاورزی در برنامه چهارم توسعه ایران نشان می دهد که در آینده به این آموزشها توجه بیشتری شده است. لذا در این مقاله با استفاده از مطالعات کتابخانه ای به تحلیل و بررسی موانع و چالشهای که این نوع آموزشها با آن مواجهند پرداخته شد. بطور کلی شاخص تقاضای اجتماعی، تقاضای بازار، مدیریت، تخصیص منابع، دولت و ذینفعان و همکاریهای بین المللی از جمله موضوعاتی هستند که می بایست بصورت کلان مورد توجه برنامه ریزان و سیاستگذاران بخش آموزش فنی و حرفه ای قرار گیرد.

کلمات کلیدی: آموزش فنی حرفه ای، چالش، موانع

مقدمه:

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه آموزشهای فنی حرفه ای محور توسعه آموزشی قرار دارد. آموزش فنی و حرفه ای می تواند فرآوری و کارآیی افراد را بهبود می بخشد، سرمایه انسانی را افزایش می دهد و موجب جذب سرمایه گذاری و روشن شدن چرخه توسعه میشود. جهانی شدن، رقابت، تغییرات ساختاری در اقتصاد، اشکال جدید سازماندهی کار و بسیاری دیگر از عوامل اجتماعی _ اقتصادی زمینه جدیدی برای آموزش و پرورش بوجود آورده اند. که منجر به ایجاد رشته جدید آموزش فنی و حرفه ای گردیده است (شریف زاده، ۱۳۸۲).

از زمان پایان جنگ جهانی تامین و تدارک آموزش فنی و حرفه ای هم رشد زیادی کرده و هم دستخوش نوسانات، پیچیدگی و تغییر بسیاری گردیده است. این امر (آموزش فنی حرفه ای) با توجه به این که در برابر تغییرات اقتصاد ملی در مقایسه با سایر بخشها حساستر و تاثیر پذیرتر است. در دهه ۱۹۸۰ درجه این تغییرات و نوسانات در بسیاری از کشورها به گونه آشکاری افزایش یافته است. این افزایش را می توان به عوامل بسیاری از جمله تغییرات جمعیتی، تغییرات در بازار کار همراه با نوسانات عمده در اشتغال و بیکاری ذکر نمود (حکیمی، ۱۳۸۰). آمار توسعه آموزشهای غیر رسمی فنی حرفه ای در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱ و مقایسه آن با اهداف پیش بینی شده در برنامه سوم نشان دهنده تحقق این شاخص بیش از اهداف پیش بینی شده است. در بخش آموزشهای متوسطه فنی حرفه ای و کار دانش آمار سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ نشان از تحقق کامل اهداف با برنامه سوم ندارد (بطور متوسط حدود ۵ درصد اختلاف) (جاساز، ۱۳۸۰). با توجه به اهمیت توسعه این آموزشها با شرایط کشور و نیاز روز افزون به آموزشهای فنی حرفه ای در ایران آسیبهای مختلفی این بخش را تهدید می کند. لذا جهت کارآیی بیشتر و گسترش این بخش و نهادینه شدن آن در بین سایر آموزشها ضرورت بررسی موانع توسعه این آموزشها در کشور احساس می گردد. از اینرو در این مقاله به بررسی این موضوع شده است.

آموزش فنی و حرفه ای چیست:

در ابتدای قرن بیست و یکم که مصادف با عصر دانش، اطلاعات و ارتباطات است، چالشهای آشکاری نظیر جهانی شدن و انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطی پارادایم نوین توسعه مراکز بشری را تحت تاثیر قرار داده است. در دوران جهانی شدن و آزاد سازی و تغییرات سریع فناوری آموزشهای فنی حرفه ای موضوع اصلی توسعه کشورهای شمال و جنوب (مراکز و اقمار) است (شریف زاده، ۱۳۸۲).

آموزشهای فنی حرفه ای به عنوان یکی از مولفه های بهم پیوسته آموزش مستمر، برای درک اهداف فرهنگ صلح جهانی، توسعه پایدار و مطابقت زیست محیطی، همگرایی و وحدانیت اجتماعی و پذیرش نقش شهر وندی بین المللی تاثیر بسیاری دارد. قرن بیست و یکم به گونه ای اساسی مفاهیم ژرف اقتصادی و اجتماعی متفاوتی را برای آموزشهای فنی حرفه ای در بر دارد. نظامهای آموزش فنی حرفه ای برای انطباق با جهانی شدن، برنامه های همواره متغیر توسعه انقلاب اطلاعات و ارتباطات و تغییرات سریع اجتماعی، گامهای خود را تدریجا بلندتر دارد. مفاهیم تغییرات شامل تحرک فزاینده سرمایه و نیروی کار و آثار ناهماهنگ فقر و ثروت و اقتصاد حاکم بر بازارهای جهانی هر دو بخش روستایی و صنعتی است. در جامعه مبتنی بر دانش این تغییرات کیفیتهای نوینی را در عرصه آموزش و پرورش طلب می کند. مشاغل آینده

نیازمند مهارت و دانش پیچیده ترینند که منجر به پدید آمدن اصلاحات آموزشی و نظام آموزشی همگانی ضمانت شده ای شود. آموزش فنی و حرفه ای با فراهم آوردن انواع مهارتها برای همگان و منابع و فرآیندهای تولیدی نقش موثری در این پارادایم جدید دارد. بنابراین تمرکز این آموزشها باید بر نیازها و تواناییهای فرد باشد. از اینرو آموزش قرن بیست و یکم مشتمل بر کلیه حیطه های یادگیری اعم از آموزش عمومی و فنی که فراگیر را قادر به تداوم یادگیری دراز مدت دانش، ارزشها، نگرشها، رقابتها و مهارتها می سازند. هدف کلی این رهیافت ایجاد جامعه فراگیر است (شمس آبادی، ۱۳۷۴). از لحاظ تاریخی آموزش فنی حرفه ای راهی برای فراهم آوردن نیروی کار مورد نیاز جامعه، افزایش تولید و اشتغال و ابزاری برای ترقی و توسعه انسانی است.

بررسی سند ملی توسعه آموزش بخش کشاورزی برنامه چهارم در ایران توزیع اعتبارات و اهداف کمی فعالیتهای آموزشهای فنی و حرفه ای را نشان می دهد که در آینده به این آموزشها توجه بیشتری شده است لذا برای دستیابی ما به این اهداف و بالا بردن کارآیی این نوع آموزشها می بایست آسیبها و موانع را شناخت و در جهت بهبود گام برداشت بطور کلی موانع و مسایلی که این آموزشها را تهدید می کند به دو دسته درونی و بیرونی می باشند. در این مقاله چالشها و موانعی که این بخش را تحت تاثیر قرار می دهد، مورد بررسی قرار می گیرد.

جدول شماره (۱) توزیع اعتبارات مورد نیاز برنامه چهارم توسعه آموزشهای فنی و حرفه ای رسمی و غیررسمی

درصد از کل	جمع	سنوات برنامه					عنوان	ردیف
		۸۸	۸۷	۸۶	۸۵	۸۴		
۶/۱۱	۱۴۸۳۸۵	۴۸۸۷۴	۳۶۲۲۱	۲۷۵۵۹	۲۰۳۷۳	۱۵۳۵۸	آموزشهای فنی و حرفه ای رسمی	۱
۷/۴۱	۱۸۰۰۴۴۰	۵۹۴۱۸	۴۳۶۷۴	۳۱۶۲۵	۲۹۳۴۸	۱۵۹۷۹	آموزشهای فنی و حرفه ای بهره برداران کشاورزی	۲

منبع: (معاونت آموزش و تجهیز نیروی انسانی، ۱۳۸۳)

جدول شماره (۲) - اهداف کمی فعالیتهای آموزشی در برنامه چهارم توسعه بخش کشاورزی

عنوان برنامه	اهداف کمی (طرح‌های تشکیل دهنده برنامه)	شاخص محاسباتی اندازه‌گیری هدف	واحد شاخص	سالهای اجرای برنامه چهارم					
				۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	جمع
آموزش رسمی	فنی حرفه‌ای مقطع متوسطه	۱- تعداد داوطلب واجد شرایط ۲- ظرفیت و امکانات موجود مراکز آموزش ۳- نیازهای اعلام شده از سوی مراکز	نفر	۲۵۰۰	۳۵۰۰	۴۹۰۰	۳۵۰۰	۲۵۰۰	۱۶۹۰۰
				۱۰۰۰	۱۱۰۰	۱۲۰۰	۱۳۰۰	۱۴۰۰	۶۶۰۰
آموزش بهره‌برداران فنی حرفه‌ای غیررسمی	آموزش‌های مهارتی	بهره‌برداران موضوعی و مساحت زیرکشت	نفر روز	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	آموزش‌های اشتغالی	ظرفیت موجود برای ارائه کارگاه آموزشی ۶۰ ساعته	نفر روز	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	آموزش اعضای تعاونیها	تعداد تعاونیها و اعضا تعاونی و ارابه حداقل یک تا دو دوره مهارتی فعالیتهای عمده هر تعاونی	نفر روز	۱۱۴۰	۱۴۲۰	۱۷۰۰	۱۹۸۰	۲۲۶۰	۸۵۰۰
	طرح محوری بازسازی و بهسازی نیروی انسانی بخش کشاورزی	نتایج مطالعات آموزشی نیاز به تعریف این طرح را معرفی نموده که براین اساس این طرح در قالب ۵ پروژه تعریف گردید	پروژه	۱	۱	۱	۱	۱	۵
	مهندسی ناظر		نفر روز	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۲۵۰۰۰
	کشاورزان پیشرو		نفر روز	۱۵۰۰	۲۳۰۷	۱۸۰۰	۱۹۵۰	۲۱۰۰	۹۶۵۷
	آموزش‌های بهره‌برداران تخصصی		نفر روز	۴۵۴۵	۴۵۴۵	۴۵۴۵	۴۵۴۵	۴۵۴۵	۲۲۷۲۵

بحث و نتیجه گیری:

گزارشهای کشورهای مختلف و بررسیهای کارشناسان بین المللی تعدادی از مشکلات، چالشها و موانع توسعه آموزشهای فنی حرفه ای کشورهای جهان سوم را بصورت مشترک می دانند. بطور کلی این مشکلات را میتوان به شش گروه کلی تقسیم نمود.

(۱) تقاضای اجتماعی:

تقاضای اجتماعی برای آموزش عمومی و مشاغل کارمندی ناشی از آن به مراتب بیش از تقاضا برای آموزشهای فنی حرفه ای است. مهمترین عوامل این رویکرد مسایل فرهنگی جامعه می باشد به عبارت دیگر اهل اندیشه از اهل کار ارزش بیشتری دارد. بنابراین ما با مشکل عظیم تغییر نظام ارزشی روبرو ایم. به عبارت دیگر خانواده ها با تحصیل فرزندان در این بخش چندان موافق نیستند و علاوه بر جامعه نیز به این دانش آموزان به چشم افرادی که توانایی تحصیل در رشته های دیگر ندارند نگاه می کند. و این آموزشها به عنوان آموزشهای درجه دوم و آموزشهای که منزلت شغلی پایینی برخوردارند می شناسد (میر رحیمی، ۱۳۷۹).

در کشور ما متأسفانه گرایش بسوی تحصیل در این آموزشها بسیار پایین تر از آموزشهای نظری است. بر اساس آمار ارائه شده از طرف وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۸۰-۸۱ فقط ۱۸ درصد از کل دانش آموزان که در سالهای دوم و سوم متوسطه تحصیل می کنند در رشته های فنی حرفه ای مشغول تحصیل میباشند و درصد کل افرادی که در رشته های کار و دانش تحصیل می کنند، ۲۵ درصد می باشد. بر این اساس بطور میانگین ۲۲ درصد از افرادی هستند که در دوره های متوسطه تحصیل می کنند. از طرف دیگر بر اساس آمارهای ارائه شده بالاترین نرخ رشد هنر جویان کشاورزی در طول سالهای پس از انقلاب مربوط به سال تحصیلی ۱۳۶۳-۱۳۶۲ می باشد و در سایر سالها از نرخ رشد پایین تری برخوردار بوده است (میر رحیمی، ۱۳۸۳).

مقایسه درصد ثبت نام در آموزشهای فنی حرفه ای ایران و برخی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می دهد که با وجود اینکه که در کشورهای آلمان، ژاپن و روسیه به ترتیب ۷۳، ۲۷/۹ و ۵۹ درصد افراد در دوره های آموزش فنی حرفه ای ثبت نام می کنند در ایران فقط ۱۲/۷ درصد در انواع این آموزشها ثبت نام می کنند. از طرفی کمترین تنوع رشته های فنی حرفه ای در ایران دیده می شود و بیشترین تنوع مربوط به روسیه می باشد.

جدول شماره (۱) بررسی تطبیقی اطلاعات مربوط به آموزشهای فنی و حرفه ای

ایران	روسیه	ژاپن	آلمان	
۳۶	۷۰۰	متغیر با نیاز	۶۵	تعداد رشته ها
۱۲/۷	۵۹	۲۷/۹	۷۳	درصد ثبت نام

در دهه ۱۹۷۰ تعدادی از کشورها از جمله الجزایر، ترکیه و سودان در جهت مشکل مذکور به اجرای برنامه های برای ارتقای آموزش فنی و حرفه ای دبیرستان در جهت دستیابی آن به آموزش عالی دست زدند. نتیجه این برنامه ها ادغام آموزش فنی در نظام سنتی ارزشهای آموزشی بوده است، نظامی که در آن دانش آموزان برای ورود به دانشگاه آموزش می بینند. آنان که این گونه دوره ها را به پایان نرسانند مشمول استخدام نمی شوند. و آنها که در درجه اول در رشته های فنی پذیرفته نشوند چشم انداز محدودی برای هر نوع آموزش بعدی دارند. لذا این مسئله میتواند به نوعی تهدید کننده توسعه آموزشهای فنی حرفه ای در ایران باشد (حکیمی، ۱۳۸۰).

۲) تخصیص منابع:

تخصیص منابع به آموزش فنی و حرفه ای و بهینه سازی آن یک مشکل محسوب می گردد. در واقع این مشکل دو جنبه دارد. از یک سو منابع تخصیص داده شده اغلب با اهداف برنامه ها در سطح ملی تناسب ندارند، و مدیران آموزش فنی و حرفه ای، در هر سطحی، منابع مورد نیاز برای تحقق اهداف تعیین شده را در اختیار ندارند. عملکرد اعتبارات هزینه ای در سال ۱۳۷۹ بالغ بر ۷۹۵/۲ میلیارد ریال بوده که با ۱۲ درصد رشد به ۸۹۰/۱ میلیارد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. عملکرد اعتبارات هزینه ای در سال ۱۳۷۹ معادل ۳/۲ درصد و در سال ۱۳۸۰ به میزان ۸/۶ درصد کمتر از اعتبارات مصوب بوده است. اعتبار مصوب سال ۱۳۸۱ معادل ۹۱۱ میلیارد ریال ۷ درصد کمتر از اعتبار سال ۱۳۸۰ به میزان ۹۷۵ میلیارد ریال بوده است.

اعتبار سرمایه ای مصوب بخش فنی و حرفه ای با رشد متوسط سالانه ۴۰ درصد از ۱۷۷ میلیارد در سال ۱۳۷۹ به ۳۴۸ میلیارد در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. البته عملکرد اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای در این بخش همواره کمتر از میزان مصوب به نحوی که عملکرد سال ۱۳۷۹ معادل ۸۸ درصد و عملکرد سال ۸۰ به میزان ۶۵ درصد اعتبار مصوب بوده است. اعتبار تملک دارایی های سرمایه ای بین ۴ برنامه آموزش غیر رسمی فنی و حرفه ای در سال ۱۳۸۰ در مقایسه با سال ۱۳۷۹ به دلیل استانی شدن بخش اعظمی از طرحهای ملی فصل فنی و حرفه ای است (شهریاری، ۱۳۸۲).

بالا بودن سرانه آموزشهای فنی و حرفه ای در ایران نسبت به آموزشهای نظری مانع عمده ای در مسیر توجه شایسته برنامه ریزان اقتصادی بوده است. با توجه به آمار موجود سرانه آموزشهای فنی و حرفه ای تقریباً ۲/۵ برابر رشته های نظری است. متأسفانه با وجود نقش بسیار موثر آموزشهای فنی و حرفه ای در بازدهی کوتاه مدت شغلی، بسیاری از برنامه ریزان اقتصادی کشور بدلیل عدم شناخت کافی از این موضوع و همچنین تلقی اثر گذاری اقتصادی این آموزشها در دراز مدت همانند آموزشهای نظری از سرمایه گذاری دولت در این زمینه خودداری می کنند. از طرفی بخش خصوصی نیز بدلیل عدم پیش بینی سازوکارهای مناسب از طرف مسئولین و متولیان نظام آموزشهای فنی و حرفه ای نتوانسته اند تاکنون نقش بارزی در ایجاد و توسعه این آموزشها ایفا نمایند. بعنوان نمونه مطالعه فولر (۱۹۷۶) در هند نشان می دهد که گارگرانی که از سطح آموزش بالاتری برخوردارند بدلیل برخورداری از آمادگی بالاتر و اثر بخشی بالای شغلی از درآمد بیشتری برخوردارند. دولت و بخش خصوصی باید بدانند که آموزشهای فنی و حرفه ای نوعی سرمایه گذاری است که بازگشت این سرمایه رفاه کارکنان، افزایش تولید و توان رقابت در صحنه بین الملل را بدنبال دارد. از اینرو سرمایه گذاری برای آموزشهای فنی حرفه ای باید در بالاترین حد ممکن به وسیله دولت و بخش خصوصی انجام شود. لذا ضرورت

توجه و پژوهش در بازدهی این آموزشها در ایران جهت توجیه مسئولان و تخصیص اعتبارات به این بخش لازم است (میر رحیمی، ۱۳۸۳).

جدول شماره (۲) توزیع مطالعات منتشره در زمینه بازده آموزشهای فنی حرفه ای در کشورهای در حال توسعه

درصد	نتایج مطالعات
۴۴	بازده بیش از میزان مرجع (مبنا)
۳۷	بازده کمتر یا در حد مبنا
۱۹	بدون اظهار نظر در خصوص بالا یا پایین بودن بازده
۱۰۰	جمع

از سوی دیگر مسئولان اجرای برنامه ها باید از منابع موجود به عقلایی ترین و بهترین نحو بهره برداری کنند. در سطح کلان مسئولان برنامه ریزی آموزش فنی و حرفه ای منابعی را که در اختیار آنان خواهد بود، باید به دقت بررسی کنند و در واقع بکوشند که مسئولان برنامه ریزی سراسری را متقاعد کنند که اهداف نمی توانند متحقق شوند مگر آنکه برای تامین مالی آنها تدارک لازم انجام گرفته باشد. در مورد عقلایی کردن استفاده از منابع مسئولان مدیریت آموزش فنی و حرفه ای باید با آنچه در اختیارشان هست بسازند. در اینجا نیز کارهای بسیاری باید انجام گیرد. کارآیی درونی آموزش فنی و حرفه ای را باید بهبود بخشید این موضوع مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. گزارشهای کشورهای آمریکای لاتین نشان می دهد که پژوهشهای زیادی درباره هزینه های مربوط به اتلاف نظام آموزش فنی و حرفه ای در حال انجام است. و این مساله که باید مورد توجه قرار گیرد. این نکته ما را به گروه سوم مشکلات می رساند،

۳- رابطه آموزش فنی حرفه ای با نیازهای توسعه و نیروی انسانی

در بسیاری موارد نظام آموزش فنی حرفه ای این نیازها را برآورده نمی کند. این نکته مضمون تکراری گزارش بسیاری از کشورها می باشد. در ترکیه تنها ۳۰ یا ۴۰ درصد از فارغ التحصیلان آموزش حرفه ای در رشته های که آموزش دیده اند کار پیدا می کنند. در کشور ما نیز تحقیقات مختلفی در این رابطه در استانهای (تهران، مرکزی، سمنان، هرمزگان، زنجان، گیلان) انجام گرفته است نتایج نشان می دهد درصد بالای از فارغ التحصیلان جذب رشته کاری خود نمیشوند. در تحقیقی که بطور خاص در ارتباط با رشته کشاورزی انجام گرفته است بیش از ۵۵ درصد از فارغ التحصیلان در رشته کاری خود مشغول بکار نمی باشند (نفیسی، ۱۳۸۳).

در گزارش با عنوان چگونگی توسعه مهارت در ایران که طی پروژه ای مشترک از سوی وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان بین المللی کار (ILO) و برنامه عمران ملل متحد (UNDP) تهیه شده و در کارگاه ملی راهبردی ایجاد اشتغال در ایران ارائه شد، اکثر کارشناسان و محققان بر این امر اتفاق نظر داشتند که گسترش نظامهای آموزش فنی و حرفه ای بدون توجه کافی به نیازهای جامعه و نیز ارتقای مهارت جویندگان کار شکل گرفته است.

1) ILO=International labor organization

2) UNDP=United Nation Development Program

این واقعیت که به شکلهای مختلف تکرار می شود مشکل هماهنگی آموزش فنی و حرفه ای و نیازهای دقیق نیروی انسانی را نشان می دهد. به نظر می رسد تنظیم نظامها بهم خورده است. این مشکل مهم دو جنبه دارد، مشکل کیفی یا حتی فلسفی و دیگری کمی یا عملی. در سطح کیفی یا فلسفی باید پرسید آیا نقش آموزش این است که تنها با نیازهای کمی سر و کار داشته است؟ بیشتر کارشناسان آموزش به پرسش پاسخ منفی می دهند، اما در عین حال می پذیرند که کار آنها در مقام معلم آماده کردن فرد برای استخدام اولیه و در حالت ایده آل ایجاد زمینه پیشرفت او با آموزش و کارآموزی بیشتر است. صرف نظر از جنبه ایده آل مساله، هدف اصلی آموزش فنی و حرفه ای آماده سازی جوانان برای پیدا کردن کار و تقاضا و آگاهی آن از روندهای احتمالی تغییر بازار یک هماهنگی واقعی وجود داشته باشد. باید با مسئولان برنامه ریزی توسعه اقتصادی و نیز شرکتهای که فارغ التحصیلان برنامه های آموزش فنی و حرفه ای را استخدام خواهند کرد، روابط نزدیکی برقرار نمود.

پس اگر قرار است آموزش فنی و حرفه ای با نیازهای واقعی اقتصاد نیروی انسانی متناسب باشد، باید ابزارهایی برای هماهنگی کارها در تمام سطوح، خواه هماهنگی برنامه ریزی ملی با آموزش و کارآموزی یا هماهنگی همکاری با شرکتهای ایجاد شود. مسئله هماهنگی، با تمام دلالتهایش، از نظر تعداد نهادهای درگیر در کشور، از نظر تخصیص منابع، و از نظر اشتغال و روندهای بازار کار، مسئله ای که باید مد نظر قرار گیرد.

مشکل هماهنگی ما را به مشکل دیگری می رساند که در تمام بخشهای کشور با آن مواجه هستیم و آن مشکل مدیریت است.

۴- مدیریت

هر سازمان از عناصر و بخشهای متعددی تشکیل می شود که مدیریت، ساختار و تشکیلات از مهمترین آنها هستند. این بخشها وظیفه اساسی برنامه ریزی، سیاست گذاری، رهبری و هدایت فرآیندها و فعالیتهای مختلف را در همه سطوح سازمان بر عهده دارند و بنابراین، اهمیت توجه به کارآمدی آنها بطور انکارناپذیری ضروری می نماید. نتایج بررسیها نشان می دهد که هم ساختار و هم مدیریت نظام آموزش و پرورش کشور ما نقصها و مشکلات جدی دارد. در حال حاضر در نظام آموزشی ایران مدیریت از شان علمی لازم برخوردار نیست و همچون بسیاری از عرصه ها از بینش و تفکر مدیریت علمی برای حل مسایل آموزشی استفاده نمی شود. ضعف کارآیی و اثر بخشی در فعالیتهای تسلط کارکرد مدیریت آموزشی به جای رهبری آموزشی تکیه بر سبکهای ساختاری و تفکرات آمرانه و اقتدارگرایانه و غیر پاسخگو و عدم طراحی و اجرای نظام مدیریت پاسخگو، بی توجهی به طراحی نظامهای مهمی از قبیل پژوهش، نظارت، ارزشیابی و کنترل کیفی در نتیجه عدم آگاهی، و پیش بینی و مواجهه فعالانه با مشکلات و بحرانها از مهمترین ضعفهای بخش مدیریت آموزشی می باشد. در نظام مدیریت حاضر نوعی گسیختگی و شکاف بین اقدامات و سوابق آنها در سطح مدیریت کلان وجود دارد و تجربیات ارزشمند سابق به نحوی مورد غفلت قرار گرفته است.

در بیشتر کشورها مدیران از میان معلمان برخاسته اند، و در بسیاری موارد معلمانی که رشته اولیه آنها ربط چندانی با آموزش نداشته است. این افراد حتی اگر صلاحیت پرداختن به مسایل آموزش فنی و حرفه ای را در جهان امروز نداشته باشند، وانگهی برای تربیت آنان به عنوان مدیران اداری و مالی آموزش فنی و حرفه ای تدارک بسیار اندکی انجام گرفته است. در کشور ما نیز با ضعف مدیران در بخش آموزش فنی و حرفه ای مواجه ایم. لذا تربیت مدیران کارآمد جهت

هدایت آموزشهای فنی حرفه ای بعنوان چالش مهم این بخش می باشد(موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۱).

۵) نقش دولتها و سایر ذینفعان :

الف) خصوصی سازی:

با اینکه دولتها مسئولیت اصلی را در آموزشهای فنی حرفه ای بر عهده دارند، در اقتصاد جدید مبتنی بر بازار، سیاستگذاریها، طراحی در ارائه آموزشهای فنی حرفه ای باید بطور مشارکتی بین دولت، کارفرمایان، اتحادیه تجار و جامعه انجام گیرد. این مشارکت باید ساختاری منسجم و قانونمند ایجاد کند تا راهکارهای ملی متناسب با تغییرات فراهم آورد. در این برنامه ریزی دولت جدای از تهیه آموزشهای فنی و حرفه ای می تواند نقش رهبری و نظارت، تسهیل گری، هماهنگی، تضمین کیفیت و اطمینان از معرفی و شناسای این خدمات به همگان ایفا نماید.

لذا به نظر می رسد در آینده دولت می بایست به سمت نظارت، تسهیلگری، هدایت و هماهنگی برنامه های آموزشهای فنی و حرفه ای بپردازد. و نقش اجرای برنامه های آموزشی را به بخشهای خصوصی واگذار نماید. علاوه بر این در کشور ما می بایست از چند پارگی سیاست گذاریها در آینده جلوگیری نماییم (شریف زاده و زمانی، ۱۳۸۲).

ب) سامان دهی و گسترش:

دولت در چگونگی سامان دادن و گسترش این آموزشها می بایست بر اساس شاخص های مشخص عمل نماید. گسترش آموزشهای فنی در وزارتخانه هایی که وظیفه اصلی آنها ارائه خدمات آموزشی است اصولاً از نیازهای فعلی و آتی بازار کار کشور، استان یا منطقه استقرار مرکز آموزشی نشأت نمی گیرد، بلکه بیش از هر چیز از امکانات مالی، انسانی و کالبدی موجود در محل تبعیت می کند. بررسی فرآیند مجوزهای صادر شده برای ایجاد آموزشکده ها نشان می دهد که در تاسیس موسسه های جدید، تصمیم گیریها بیش از هر عالم دیگری بر اساس تعداد مدرس و تجهیزات و تسهیلات فضای آموزشی موجود در محل، فشارهای سیاسی که از طرف مقامات محلی در مجلس شورای اسلامی وارد می آید و پاره ای از معیارها و شاخص های آموزشی سهم آموزشهای فنی حرفه ای نسبت به سایر رشته ها در استان یا منطقه و مانند آن انجام می گیرد و علاوه بر آن علائم دریافتی از بازار کار چنان ضعیف است که تقریباً تأثیری در صدور این گونه مجوزها ندارد. لذا در آینده باید دولت اصلاحات لازم را در این زمینه پدید آورد.

۶) همکاری بین المللی:

امروزه بحث همکاری بین المللی موضوع مهمی می باشد که می بایست در آموزش فنی و حرفه ای مد نظر قرار گیرد. همکاری که بوسیله یونسکو و شرکای بین الملل آن نظیر سازمان جهانی کاروبانک جهانی تقویت میشود نقش موثری در آموزشهای فنی و حرفه ای دارد. همکاری بین المللی مجرای مهمی را برای بهبود برنامه های آموزش فنی حرفه ای مهیا می سازد. بطور کلی موضوعاتی که ما میتوانیم در همکاریهای بین المللی در آینده بدنبال دستیابی به آن باشیم (ویسی و محمدی، ۱۳۸۰). عبارتند از:

- درخواست کمک مالی از نهاده ها برای توسعه طرحها

تشویق گرد آوری، تحلیل و توزیع اطلاعات

- آموزش برنامه ریزی و مدیریت به برنامه ریزان و مدیران آموزش فنی و حرفه ای
- تدارک و تجهیزات
- ماموریت کارشناسان بین المللی برای اجرای طرحهای در کشور

پیشنهادهات:

با توجه به مشکلات مطرح شده هر کشور می بایست با توجه به شرایط خاص خود به رویکرد ابتکاری در چهار چوب اوضاع خاص خود توجه نماید. اما در عین حال در رویکرد آنها به مشکلات توسعه می توان برخی روندهای عام را نیز تشخیص داد. با توجه به مشکلات کلی که ممکن است در هر نظام آموزش فنی و حرفه ای هر کشور وجود داشته بطور خاص می توان به مشکلات که در نظام ایران وجود دارد اشاره نمود. و راهکارهای که در جهت تعدیل این مشکلات می بایست مد نظر داشت.

کارهای اصلی که می بایست در این زمینه ها انجام می گیرد.

در تقاضای اجتماعی پیشنهاد میشود:

۱- در بخش تقاضای اجتماعی می بایست یک عزم ملی در جهت تغییر نگرش فرهنگی نسبت به آموزشهای فنی حرفه ای ایجاد نمود و این امر منوط به هماهنگی کلیه بخشهای مرتبط با فرهنگ، آموزش و اقتصاد جامعه می باشد. تا نسبت به اهمیت موضوع آموزشهای فنی و حرفه ای در بین خانواده ها و فرزندان جهت تشویق، جذب و تحصیل در این رشته ها صورت گیرد تا بتوانیم افراد با پتانسیل بالا جذب تحصیل در این رشته ها شوند.

۲- در نظر گرفتن تسهیلات بیشتر برای دانشجویان و دانش آموزان این دوره ها نسبت به دانشجویان دوره های آموزش نظری، از جمله حمایت کردن آنها توسط موسسات مربوط و ایجاد شرایط لازم

۳- گسترش موقعیتهای شغلی برای فارغ التحصیلان این دوره ها با در الویت قرار قرار گرفتن استخدام آنها توسط موسسات و سازمانها

۴- گسترش تبلیغات در مدارس بخصوص مدارس راهنمایی برای تشویق دانش آموزان به انتخاب این آموزشها

۵- توجه خاص به زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور و می توان در آموزشهای فنی حرفه ای از توان آنها جهت گسترش این آموزشها در جامعه بهره برد.

در رابطه آموزش با نیاز جامعه پیشنهاد میشود:

در مورد هماهنگی بهتر با بازار کار و نیازهای توسعه از نظر نیروی انسانی، یکی از روندهای اصلی عبارت است از ایجاد نهاد مرکزی که هم آموزش فنی حرفه ای و هم کارآموزی بیرون از نظام آموزشی را اداره کند. در برخی از کشورها چنین سازمانی هم اکنون وجود دارد در آرژانتین سالهاست چنین سازمانی بوجود آمده است. در گامبیا نهادی به نام هبات ملی آموزش حرفه ای در سال ۱۹۷۹ تاسیس شد که مسئول هرگونه آموزش و کارآموزی برای اشتغال است. در هندوستان تعدادی سازمان در سطح ملی وجود دارند که جنبه های گوناگون نظام را هماهنگ می کنند. در اکوادور نیز ایجاد شورای ملی آموزش فنی با بودجه مستقل پیشنهاد شده است.

در کشور ما سازمانهای مختلفی به نوعی در این فرآیند دخالت دارند از جمله سازمان آموزش فنی حرفه ای، وزارت آموزش و پرورش، وزارت جهاد کشاورزی لذا پیشنهاد می گردد شورای مسئولیت هماهنگی سیاستگذاری و برنامه ریزی فعالیتهای فنی حرفه ای بعهدہ بگیرد.

در کنار این روند، روند دیگری برای پیوند فشرده تر آموزش فنی و حرفه ای با بازار کار بکار گرفت باید توجه کرد که این دو روند الزاما ناسازگار نیستند. هدف روند اخیر، تمرکز زدایی است به طوری که

الف) صنعت از نظر سیاستگذاری، اجرای بالفعل برنامه ها و تامین مالی با آموزش درگیر شود.

ب) آموزش فنی و حرفه ای در برابر تقاضای بازار کار پاسخگو باشد و از همین رو انعطاف پذیرتر گردد. این مسئله در شیله بدین شکل دنبال شد که سیاست آگاهانه، دادن مسئولیت آموزش فنی و حرفه ای به شرکتهای خصوصی با وساطت سازمانهای غیر انتفاعی، و در همان حال حفظ اختیار نظارت و ارائه فنی و حرفه ای با روندهای بازار کار پیوند فشرده تری برقرار می کند و از سوی دیگر مصرف کنندگان محصولات آموزشی در تامین مالی این آموزش شرکت می کنند و بدین سان هزینه های دولت و مردم کاهش می یابد. در ترکیه مرکز پژوهشی آنکارا طرحی را در چهار مدرسه حرفه ای برای درگیر کردن صنایع محلی با فرآیند آموزش به اجرا در آورد. در این طرح برخی تصمیم گیرهای آموزشی و نیز خود فرآیند آموزش، و تعهد مالی صنایع محلی طراحی شده است. مزایای این رویکرد شامل انعطاف پذیری و اکثس و پخش مسئولیت در سراسر جامعه و از همین رو شرکت گسترده تر جامعه در اقدامی عمومی، روی دیگر سکه در نظر داشتن منافع عمومی است. در این مورد، اختیار مجوز از سوی مراجع دولتی می تواند نقش متعادل کننده مهمی داشته باشد.

لذا به نظر می رسد این روش را می توان در سطح محدود در ایران نیز به صورت آزمایشی اجرا نمود تا بتوان بر اساس نتایج آن تصمیم گیری نمود.

در مدیریت پیشنهاد می شود:

۱- طراحی نظام مشارکت همه جانبه در آموزش فنی حرفه ای با توجه به ظرفیتهای و ایجاد آمادگی لازم در معلمان، کارکنان، دانش آموزان و اولیای آنان در تصمیم گیریها و سیاست گذاری و تقویت انجمن ها و تشکلهای صنفی و حرفه ای و برنامه ریزی برای استفاده از امکانات و تواناییها و نهادهای دولتی و ملی و محلی .

۲- بازنگری در نظام مدیریت آموزشی در سطوح مختلف (مدرسه، منطقه، استان) بر اساس واگذاری و توزیع تدریجی و مستمر نسبتی از اختیارات.

۳- تقویت جایگاه تخصصی مدیریت آموزشی از طریق تعریف معیارهای علمی حرفه ای و شایستگی های شغلی در شرایط انتصاب و تقویت جاذبه های مشاغل مدیریت و ارائه خدمات علمی و حرفه ای به مدیران در سطوح مختلف.

در تخصیص منابع پیشنهاد می گردد:

۱- در زمینه عقلایی کردن استفاده از امکانات و بهینه سازی منابع موجود می توان به تجربیات سایر کشورها اشاره نمود. کشورهای مختلفی که برای گذاشتن تسهیلات مدارس در اختیار جامعه و موسسات آموزش غیر رسمی، برنامه هایی را به اجرا در آورده اند. رویکرد دیگر به بهینه سازی منابع در درون نظام رسمی را در اندونزی میتوان دید. سیاست این

کشور اجرای طرحهای مدیریت پذیر است. به عبارت دیگر مدیریت بعنوان رکن اساسی در فرایند آموزش فنی و حرفه ای محسوب می گردد. لذا ما در کشور باید به بحث مدیران کارآمد در نظام آموزش فنی و حرفه ای توجه ویژه ای مبذول نماییم.

۲- با توجه به بازدهی بالای آموزشهای فنی و حرفه ای و جهت توجیه مسئولان و برنامه ریزان نسبت به تخصیص اعتبارات لازم است تحقیقات در خصوص بازدهی آن در کشور صورت گیرد.

فهرست منابع:

- ۱) پنهانی، د. (۱۳۸۲). "نظام آموزش در پیچ خم آزمون و خطا" روزنامه انتخاب مورخ ۸۲/۱۱/۱۹.
- ۲) جاساز، م. (۱۳۸۰). "عملکرد موفق آموزشهای فنی و حرفه ای در برنامه سوم"، نشریه برنامه، شماره ۴۱.
- ۳) جابریان، ع. و حسین حیدری. (۱۳۸۳). "روند تحول آموزشهای علمی کاربردی و چشم انداز آتی"، معاونت آموزش سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی.
- ۴) درزی، م. (۱۳۸۳). "خصوصی سازی آموزش فنی و حرفه ای را تقویت کنیم"، نشریه بازار کار.
- ۴) حکیمی، م. (۱۳۸۰). "مدیریت آموزش فنی حرفه ای"، انتشارات شرکت علمی و فرهنگی.
- ۵) حاجی میر رحیمی، س. (۱۳۸۳). "بررسی شاخصهای آموزش فنی و حرفه ای در ایران"، معاونت آموزش سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی.
- ۶) شریف زاده، م. و غلامحسین زمانی. (۱۳۸۲). "چالشهای نوین در آموزشهای علمی کاربردی"، مجموعه مقالات چهارمین همایش آموزشهای علمی کاربردی، موسسه آموزش عالی علمی کاربردی، وزارت جهاد کشاورزی.
- ۷) شمش آبادی، الف. (۱۳۷۴). "روندها و توسعه آموزش فنی حرفه ای"، مرکز انتشارات یونسکو در ایران و دفتر مرکز آموزش عالی وزارت جهاد سازندگی.
- ۸) شهبیاری، م. (۱۳۸۲). "نگاهی به عملکرد نظام آموزش فنی و حرفه ای کشور"، روزنامه انتخاب مورخ ۸۲/۱۱/۱۹.
- ۹) نفیسی، ع. (۱۳۸۳). "چکیده تحقیقات آموزش فنی و حرفه ای"، پژوهشکده تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۰) نفیسی، ع. (۱۳۸۰). "آموزشهای فنی و حرفه ای بازار کار"، نشریه کار و دانش، شماره ۳۵.
- ۱۱) ویسی، ه. و داود محمدی. (۱۳۸۰). "چالشهای آموزش کشاورزی جهت دستیابی به توسعه پایدار در قرن بیست و یکم"، فصلنامه جهاد، شماره ۲۴۴-۲۴۵، صفحه ۲۶-۳۲.
- ۱۲) موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی. (۱۳۸۱). "مجموعه گزارشات همایش چالشها و چشم اندازهای توسعه ایران"، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۱۳) معاونت آموزش و تجهیز نیروی انسانی. (۱۳۸۳). "سند برنامه چهارم توسعه آموزش بخش کشاورزی"، معاونت آموزش و تجهیز نیروی انسانی، سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی.

Title: Vocational Education, Challenges and Barriers

By: Hassan Alipour

Abstract:

People efficiency can be improved by vocational education. Nowadays a kind of education is vocational education which plays a main role in training people. Vocational training has been significantly considered in Iran educational plans. In this paper challenges in vocational education were investigated. Therefore gathering information was made through library studies. The finding indicated that factors including: Management, government, international cooperation, social demands, allocation resource, relationship between vocational education development in country, which should be considered.

Key word: vocational education, Challenges, Barriers

عنوان مقاله

آموزش‌های فنی حرفه ای چالشها و موانع

تهیه کننده: حسن علیپور

سال ۱۳۸۴